بررسی «الغیب» در آیه شریفه «لا یعلم... الغیب الا الله»

۱. «ال» در «الغیب»: عهد

اگر «ال» عهد باشد؛ «**قل لایعلم من فی السماوات**»، یعنی «ما عالمُ‌بالغیب»؛ که غیب به «الساعة »، یوم القیامه باشد. «ما عالمُ‌بالساعة الا الله».

حصر: حقیقی

خب این حصر حقیقی است یا نه؟ حصر حقیقی است. غیر از خدای متعال کسی از ساعت خبری ندارد. «**لایجلّیها لوقتها الا هو**». خب اگر در بحث‌های کلامی و معارفی احتمالاتی بود، باز مانعی ندارد که به یکی وجهی این هم اضافی باشد. ولی فعلاً در این مقام می‌گوییم «ما عالمُ‌بالساعة الا الله»، که «ال» در «الغیب» به‌معنای عالَم قیامت است که حصر حقیقی می‌شود و مانعی هم ندارد.

۲. «ال» در «الغیب»: استغراق مجموعی

اما یک معنا این است که در «ما عالمُ‌بالغیب»، «ال» عهد استغراق است؛ به‌معنای مجموع؛ استغراق مجموعی. عامّ‌مجموعی نه استغراق شیوعی. استغراق یعنی همه را بگیرد؛ اما به چه صورت؟ تک‌تک، جدا جدا و انحلالا؟ یا همه را مجموعی بگیرد؟ این، یکی از وجوه است که همه را مجموعی بگیرد. یعنی «ما عالمُ‌بالغیب»؛ یعنی «بالغیوب».

فرق «اکرم العلماء» با «اکرم العالم» در چیست؟ «اکرم العلماء» ظهورش در عموم و شیوع است، «ما عالمُ‌الغیب» یعنی «بالغیوب».«**انّک انت عَلاّمُ‌الغُیُوب**[1]»؛ همه را بدون استثناء می‌داند. «قل لایعلم من فی السماوات و الارض الغیب»، یعنی «الغیوب» تماماً «لایشذّ‌عنه شیء حتی علم واحد»،

حصر: حقیقی

در اینجا حصر حقیقی است یا اضافی؟ حصر، حقیقی است. روشن است. تنها خدای متعال است که جمیع غیوب را مجموعاً می‌داند. حتی در آن روایت معروف که حضرت فرمودند: اسم اعظم، هفتاد و سه حرف است، فرمودند ما اهل البیت هفتاد و دو حرف از این حروف اسم اعظم را می‌دانیم، الا یک حرف که «هو اسم استاثره الله لنفسه[2]».معروف است؛ «اسم مستأثر»؛ یعنی اسمی که «استأثره الله لنفسه»، پس اگر بگوییم به‌معنای «غیوب» است، حصر حقیقی است. این هم یک احتمال.

۳.«ال» در «الغیب»: استغراق شمولی

احتمالی که روی آن تکفیر کرده بودند، احتمال استغراق جمیع است. یعنی «لایعلم من فی السماوات و الارض الغیب»، یعنی ای شیء من الغیوب؛ هیچکدام از آنها را غیر از خدا نمی‌داند. غیر از خدا حتی یکی از آنها را نمی‌داند. پس اگر کسی بگوید غیر خدا یک غیب می‌داند، کافر شده است! این احتمال، ضعف است. اصلاً احتمال آن نیست. اینکه می‌گوییم «ضعف» است به این خاطر است که گفته‌اند، اما اگر یک ذره به آن فکر کنیم می‌بینیم این معنا ندارد که بگوییم هیچکدام از غیوب نیست که کسی غیر از خدا نداند. چرا؟ به‌خاطر اینکه خدای متعال بسیاری از غیوب را به ملائکه و اولیاء خودش اعلام کرده است. وقتی اعلام کرده اینها مطّلعند. دیروز دو آیه را خواندیم؛ «عالِمُ الْغَيْبِ فَلا يُظْهِرُ عَلى غَيْبِهِ أَحَدا إِلاّ مَنِ ارْتَضى مِنْ رَسُولٍ[3]».

---

[1] المائدة، ۱۰۹

[2] به‌عنوان نمونه در بصائر الدرجات :

۱- حدثنا أحمد بن محمد عن علي بن الحكم عن محمد بن الفضل قال أخبرني ضريس الوابشي عن جابر عن أبي جعفر ع قال: إن اسم الله الأعظم على ثلاثة و سبعين حرفا و إنما كان عند آصف منها حرف واحد فتكلم به فخسف بالأرض ما بينه و بين سرير بلقيس ثم تناول السرير بيده ثم عادت الأرض كما كانت أسرع من طرفة عين و عندنا نحن من الاسم اثنان و سبعون حرفا و حرف عند الله استأثر به في علم الغيب عنده و لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم.(بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ؛ ج1 ؛ ص208)

۷- حدثنا إبراهيم بن هاشم عن محمد بن حفص عن عبد الصمد بن بشير عن أبي عبد الله ع قال: إن اسم الله الأعظم على ثلاثة و سبعين حرفا كان عند آصف منها حرف واحد فتكلم به فخسف بالأرض ما بينه و بين سرير بلقيس ثم تناول السرير بيده ثم عادت الأرض كما كان أسرع من طرفة عين و عندنا من الاسم اثنان و سبعون حرفا و حرف عند الله تعالى استأثر به في علم الغيب المكتوب(بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ؛ ج1 ؛ ص209)

۸- حدثنا أحمد بن محمد عن علي بن الحكم عن محمد بن الفضيل عن سعد أبي عمرو الجلاب عن أبي عبد الله ع قال: إن اسم الله الأعظم على ثلاثة و سبعين حرفا و إنما كان عند آصف منها حرف واحد فتكلم به فخسف بالأرض ما بينه و بين سرير بلقيس ثم تناول السرير بيده ثم عادت الأرض كما كان أسرع من طرفة عين و عندنا نحن من الاسم اثنان و سبعون حرفا و حرف عند الله تعالى استأثر به في علم الغيب المكنون عنده.(بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ؛ ج1 ؛ ص210)

٣- حدثنا الحسين بن محمد بن عامر عن معلى بن محمد عن أحمد بن محمد بن عبد الله عن علي بن محمد النوفلي عن أبي الحسن العسكري ع قال سمعته يقول اسم الله الأعظم ثلاثة و سبعون حرفا و إنما كان عند آصف منه حرف واحد فتكلم فانخرقت له الأرض فيما بينه و بين سبإ فتناول عرش بلقيس حتى صيره إلى سليمان ثم انبسطت الأرض في أقل من طرفة عين و عندنا منه اثنان و سبعون حرفا و حرف عند الله استأثر به في علم الغيب.(بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ؛ ج1 ؛ ص211)

و به عنوان نمونه در کافی شریف:

١- محمد بن يحيى و غيره عن أحمد بن محمد عن علي بن الحكم عن محمد بن الفضيل قال أخبرني شريس الوابشي عن جابر عن أبي جعفر ع قال: إن اسم الله الأعظم على ثلاثة و سبعين حرفا- و إنما كان عند آصف منها حرف واحد فتكلم به فخسف بالأرض ما بينه و بين سرير بلقيس حتى تناول السرير بيده ثم عادت الأرض كما كانت أسرع من طرفة عين و نحن عندنا من الاسم الأعظم اثنان و سبعون حرفا و حرف واحد عند الله تعالى استأثر به في علم الغيب عنده و لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم(الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج ١ ؛ ص٢٣٠)

[3] الجن٢٦ و ٢٧

بازبینی #3
ایجاد شده 17 ژوئیه 2024 10:20:09 توسط ... .
به روزرسانی شده 17 ژوئیه 2024 11:56:35 توسط ... .